

عنوان مقاله:

تبادل تمدنی؛ نزاعی بر سر امکان یا امتناع

محل انتشار:

همایش ملی انقلاب اسلامی و افق تمدنی آینده (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 30

نویسندگان:

محمد پورکیانی - دانش آموخته مقطع دکتری مدیریت فرهنگ، دانشگاه باقرالعلوم

محمدصادق حاجی پور کریمی - دانش آموخته مقطع ارشد فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه امام صادق علیه السلام

خلاصه مقاله:

نخستین مواجهه ما با تمدن غرب در قامت تقابل نظامی و صنعتی هویدا گشت که حاکمان به جهت تصور عقب ماندگی ایران و جبران آن، تصمیم به اعزام دانشجویان به کشورهای غربی نمودند. آنها راه توسعه یافتگی و پیشرفت ایران را در آیین مدرن شدن ایران می دیدند، اما تاریخ در سال ۵۷ به گونه ای دیگر رقم خورد و انسان جدیدی ظهور کرد که آرمان، طلب و تمنایش متفاوت از انسان مدرن بود. یکی از چالش های اساسی انسان عصر انقلاب اسلامی در مباحث تمدنی، نحوه مواجهه با تمدن غرب است؛ آیا می بایست تمدن غرب را به صورت کامل پذیرفت، آیا باید آن را رد کرد؟! آیا می توان با تمدنی که متناسب با فرهنگ و زیست تاریخی ما رقم نخورده، ارتباط برقرار کرد و آن را برگزید؟ آیا «هم عالمی» میان ما و تمدن غرب برقرار می شود؟ آیا اساساً تبدلی میان عالم ما و عالم غرب رقم خواهد خورد؟ عده ای قائل به ذات گرایی تمدن غرب شده اند که در این صورت، امکان تبادل تمدنی ممتنع است و عده ای دیگر تمدن غرب را در اراده گرایی خلاصه کرده اند که از لوازم آن پذیرش کامل تمدن غرب و به تحویل بردن اقتضائات تمدنی در اراده افراد است. در این میان نسبت گرایی نیز از جمله مواردی است که می تواند افقی را برای تبادل تمدنی باز کند. مراد از نسبت گرایی، برقراری نسبت وجودی با تمدن است. «وجودی» دانستن نحوه ساخت تمدن به این معناست که تمدن در حین زندگی روزمره انسان ها ساخته می شود؛ چرا که در زندگی جاری است که انسان ها با تمام وجود خود حاضرند نه صرفاً با ذهن یا اعتقاد خود.

کلمات کلیدی:

تمدن غرب، تمدن اسلامی، گزینش تمدنی، تسخیر جوهری، تبادل تمدنی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1804816>

